



م. ع. اطرافی

موافقتنامه ترانزیتی بین پاکستان، تاجکستان و افغانستان

در این روزها آوازه چنین توافقنامه گرم تر شده میرود. افغانستان در این معامله دست بالا را دارد باید از این موقعیت ستراتژیک و امتیازی خود به نفع منافع ملی خود استفاده کند.

در حدود سه سال قبل هیات دولتی پاکستان به تاجکستان سفر کرد و پلانی را بین دو کشور مطرح ساخت که شامل ایجاد شاهراه ترانزیتی مستقیم بین پاکستان و تاجکستان میباشد که از شاخه و اخان ولایت بدخشان افغانستان عبور میکند. این پلان افغانستان را در حاشیه میکشاند و همه امتیازات را پاکستان بدست میآورد. به احتمال قوی نا امنی های کنونی ولایت بدخشان شامل دسپیس و طرح های شوم چنین پلانی باشد که دولت افغانستان باید جبهه دفاعی ولایت بدخشان را آنچنان تقویت نماید که

مصنوعیت ارضی افغانستان تضمین شود و اجازه ندهد که چنین شاهراهی از ولایت بدخشان افغانستان عبور کند.

چنین شاهراهی در داخل افغانستان وجود دارد که از شیرخان بندر آغاز میشود از طریق پل خمی، کابل، جلال آباد و تورخم به پاکستان و از طریق بندر واگه به هندوستان منتهی میگردد. در این شاهراه منافع همه کشورها تضمین میشود که به کمک و حمایت هر چهار کشور بازسازی و تقویت شود.

در این ارتباط افغانستان تلاش نماید که هندوستان هم شامل این پروژه ساخته شود زیرا افغانستان سوابق طولانی تجارتي و منافع اقتصادی تاریخی با هندوستان دارد. این پروژه میتواند هر چهار کشور را متحد و همبسته بسازد و صلح و امنیت را در منطقه برقرار سازد که به نفع هر چهار کشور میباشد. باید فصل جدید مناسبات دوستانه بین این چهار کشور به وجود آید تا واقعیت های موجود پذیرفته شود و از تشدید منازعات جلوگیری شود. شاید بعضی قدرت ها و کشورها با این پروژه چهار ضلعی مخالفت نمایند و نگذارند که این چهار کشور با هم متحد شوند. چون در این پروژه منافع ملی هر چهار کشور متصور است میتوانند مخالفت ها را در اتحاد شان رفع و دفع نمایند. افغانستان که در این پروژه نقش کلیدی دارد میتواند در رفع و دفع اختلافات هم نقش کلیدی خود را بکار بگیرد. اگر پاکستان لجاجت کند و راه ترانزیتی افغانستان را به هند اجازه ندهد، افغانستان هم راه ترانزیتی پاکستان را به آسیای میانه اجازه ندهد. عکس العمل متقابل پاکستان را وادار میسازد که راه ترانزیتی افغانستان را به هندوستان از طریق کشور اش برای همیشه باز نماید و از توقف اموال تجارتي افغانستان در بنادر کراچی و گوادر جلوگیری نماید. به لاری های افغانستان هم اجازه دهد که اموال تجارتي افغانستان را با سرعت لازم به کشور انتقال نمایند و از پرداخت دیمرج جلوگیری نمایند. سیاست مداران

و دولت مردان افغانستان باید در سیاست خارجی افغانستان پالیسی داد و ستد را متوازن سازند تا به منافع ملی افغانستان صدمه نرسد. کامیابی و ناکامی دولت وحدت ملی به صداقت دور اندیشی و درایت هر دو رهبر مربوط میشود که قضایای کشور را از زاویه منافع ملی یا منافع شخصی، گروهی، قومی و یا از زاویه منافع قدرت های منطقوی و جهانی تحلیل و ارزیابی مینمایند که موجب ثبات و یا سقوط دولت شان میشود.

تجارب تاریخ مبین این حقیقت است که رهبران دولتی که حمایت و پشتیبانی قدرت ها و کشور های خارجی را داشته باشند کمتر به خواسته های مردم شان ملتفت و متعهد میشوند.

امید است دولت مردان افغانستان در این حلقه به دام نیافتند. من الله توفیق

19 اپریل 2015